



مصاحبه با استاد فضائلی

مانند میرعماد و خوشنویسان دیگر و خط نسخ را از روی قرآنی که به خط جد اعلائی فامیل بود و بسیار استادانه نوشته شده بود تمرین می‌کردم و بدین ترتیب چندین سال از عمر من به تمرین و مشق و کمک به پدر در امر مکتب‌داری طی شد تا اینکه در سیزده سالگی ام پدرم فوت کرد.

ایشان در دوران حیات قصد داشت مرا برای تحصیل به اصفهان بفرستد. بعد از فوت ایشان گرچه وضع زندگی، رفتن به اصفهان را محال می‌نمود ولی شوق آن از سرم بیرون نمی‌رفت تا اینکه پس از چندین سال به خواست خدا راهی اصفهان، و مشغول تحصیلات حوزوی شدم. خطی خوب و زیبا داشتم، تصورم این بود که برای پیشرفت بهتر تحصیل دیگر ادامه خط را

لطفاً در باره خودتان و اینکه از چه زمانی به هنر خطاطی روی آوردید و از محضر کدام استاد بهره گرفته‌اید توضیح دهید؟

■ بسم الله الرحمن الرحيم، چنانچه مستحضر هستید بنده در سمیرم در یک خانواده روحانی و اهل هنر خوشنویسی متولد شدم و زیر نظر پدرم که شغلشان مکتب‌داری بود و در هنر خوشنویسی تا اندازه‌ای که معمول آن زمان بود دست داشتند و خود از شاگردان محضر مرحوم آخوند، روحانی بزرگوار سمیرم بودند، کارکردم. ایشان خط نسخ، نستعلیق و شکسته را صاف و خوب می‌نوشتند و من نیز با اندک سوادى که داشتم شروع به نوشتن کتاب باباطاهر و «گنجینه‌الاسرار» از عمان سامانی نمودم و از روی سرمشقهای استادانی



ادامهٔ درسهای حوزوی در روز و دروس جدید در شب کوتاه نیامدم و ادامه می‌دادم تا اینکه به اخذ لیسانس در

● پس از ۲۵ سال فعالیت به پدید آوردن و تألیف دو جلد کتاب و «اطلس خط، تحقیق در خطوط اسلامی»، و «تعلیم خط در قواعد خطوط اسلامی» توفیق یافتیم.

رشتهٔ ادبیات فارسی موفق شدم و ضمناً به استخدام آموزش و پرورش در آمدم و در دبیرستانهای معروف اصفهان به تدریس عربی و تعلیمات دینی و تعلیم خط و خوشنویسی اشتغال داشته‌ام و همچنین چندین سال در دانشگاه و دانشسرا در رشتهٔ هنر خوشنویسی به تدریس و تعلیم پرداختم و از سال ۱۳۵۸ که با سی سال خدمت بازنشسته شدم تاکنون (۱۳۷۴) در انجمن خوشنویسان اصفهان با سمت سرپرستی به تعلیم هنرجویان مشغول بوده‌ام.

□ شما در کدامیک از رشته‌های خطاطی کار کرده‌اید و در کدامیک تبحر دارید؟

■ من در تمام خطوط متداول اسلامی کار کرده‌ام یعنی هم در فراگیری تمرین داشته‌ام و هم از روی قواعد هر یک را صحیح می‌نویسم ولی خطوط متداول و مرسوم در کشور اسلامی ما چهار قسم است، مخط ثلث برای کتیبه‌نگاری و خط نسخ برای نوشتن قرآن و دعا و حدیث و خط نستعلیق برای دیوانهای اشعار و بعضی کتابهای فارسی و قطعات و خط شکستهٔ نستعلیق جهت نامه‌نگاری و یادداشتها و ثبت و ضبط دفاتر و گاهی قطعات.

□ غیر از این چهار نوع خط در چند نوع خط دیگر تسلط دارید؟

■ من یک صفحه نوشته‌ام که در آن ۱۵ نوع خط قرار داده‌ام و به‌طوری که در «اطلس خط» و «تعلیم خط»

کنم ولی آخر پنهان نماند و طلاب مدرسه که خطم را می‌دیدند زبان به تحسین می‌گشودند و در ارائه به دیگران، تشویق می‌کردند، تا اینکه در زمان عبدالکریم قاسم تهیهٔ ضریحی برای عسکرین در سامراء پیش آمد و هیأت امناء و دست‌اندرکاران برای خوشنویسی کتیبه‌های آن از چند تن خوشنویس نمونه گرفته بودند، یک نفر که از من و خط من اطلاع داشت در آن جلسه مرا معرفی کرده بود و آنها شعری را به‌وسیلهٔ آن شخص نزد من فرستادند که به‌عنوان نمونه بنویسم. منم نوشتم و فرستادم هیأت با مقایسهٔ دقیق، خط مرا از میان خطوط انتخاب کرده بودند و بالاخره ملاقاتها و آزمایشهای دیگر پیش آمد و نوشتن کتیبه‌های ضریح به اینجانب محول شد و این اولین یا دومین قدم بود که در اصفهان به شهرت خوشنویسی معرفی شدم. با وصفی که اشتغال به تحصیلات داشتم بنا بر عشق و علاقه باز از ادامهٔ تمرین غافل نمی‌شدم. بر روی کتابها و قطعات استادان دقت می‌نمودم و از محضر استادان اصفهان و تهران نکته‌ها فرا می‌گرفتم. در چند سفر به تهران به تعلیم حضوری از مرحومان استاد کاوه و زرین‌خط موفق گشتم. به این مقدار هم قانع نشدم، در صدد تألیف تاریخچهٔ خط و انواع آن برآمدم که در آن زمان صحبت از تغییر خط هم در میان بود و استادان زنده هم اطلاعات اندکی از این باب داشتند ولی دلسرد نشده دست از تصمیم خود برنداشتم و به دنبال جمع‌آوری کتاب و تذکره‌ها و رساله‌های خطی و چاپی از عربی و فارسی و ترکی و قطعات از انواع خط کوشش کردم. کوتاه سخن اینکه نتیجهٔ این پی‌جویی‌ها پس از ۲۵ سال فعالیت به پدید آوردن و تألیف دو جلد کتاب «اطلس خط، تحقیق در خطوط اسلامی» و «تعلیم خط در قواعد خطوط اسلامی» توفیق یافتیم. اگر بخواهم شرح جست‌وجوها و مسافرتها را برای فراهم آوردن این دو کتاب - که به‌حق دائرةالمعارفی در این هنر اصیل اسلامی است بنویسم خود کتابی جداگانه خواهد شد مِنَ اللَّهِ التوفیق. باید عرض کنم در ضمن این فعالیتها که در راه هنر بود، از



□ از آثار مشهورتان چندتا نام ببرید؟

■ آثار من چند دسته می‌شود: ۱- تألیفات
۲- استنساخ و خطاطی ۳- کتیبه نگاری و قطعات
۴- تربیت شاگردان بسیار ۵- آثار شعری
۱- تألیفات من: «اطلس خط» و «تعلیم خط»، «آیه نور»،
و «اصحاب رس»، «مرد آفرین روزگار» که همه چاپ شده
و سازمان ظاهر قرآن که هنوز به چاپ نرسیده است.
۲- استنساخ: قرآن کریم، گنجینه الاسرار - و خطاطی
عبارت است از «بوستان هنر خط» و «سرمشق چلیپا».
۳- کتیبه نگاری: من برای مساجد و تکایا در اصفهان و
شهرستانها و بقاع متبرکه ائمه عراق و برای حرم
حضرت زینب و حضرت رقیه علیهما السلام و مشهد
رضوی و امام زاده‌ها کتیبه‌هایی نوشته‌ام.
۴- تربیت شاگردان: الحمدلله و المنه که در طی سی
سال خدمت فرهنگی و بعد از بازنشستگی تا کنون
توفیق تعلیم و تربیت دانش‌آموزان و هنرجویان این
خطه را داشته‌ام.
۵- چون طبعاً علاقه به سرودن شعر و شعرشناسی
داشتم در انجمنهای شعر شرکت می‌جستم و اشعار خود
را به حضور استادان عرضه می‌داشتم و جسته و گریخته
بعضی از آنها نوشته و چاپ شده و بیشتر آنها هم به
چاپ نرسیده است

توضیح داده‌ام ۸ قسم خط را اصلی و پنج خط دیگر را
فرعی معرفی نموده‌ام که بنا بر این حساب ۱۳ خط
می‌باشد و خط کوفی که ریشه و اساس دیگر خطوط
اسلامی است تا قبل از چاپ «اطلس خط» جزء آمار نبود
و کسی از خطاطان هم عنایتی به آن نداشت بعد از
انتشار این کتاب و توضیحات و دادن نمونه‌ها و الفبای
آن جسته و گریخته متداول گردیده است. چنانچه
عرض شد چون چهار قسم از اینها متداول و مرسوم
کشور ماست روی این چهار قسم کار بیشتر است و در
نتیجه تسلط بیشتر خواهد بود.

□ آیا شما قرآن هم نوشته‌اید؟

■ من به واسطه وفور این کلام عزیز و انواع آن با
خود می‌گفتم نوشتن قرآن لزومی ندارد ولی با اصرار
دوستان بالاخره آماده نوشتن قرآن شدم، وقتی وارد
عمل گردیدم لزوم آن برایم مسجل شد. با دقت بر روی
قرآنهاي مختلفی که در ایران نوشته یا چاپ شده بود،
دیدم در رسم الخط اختلاف است. لذا با جمع‌آوری
کتابهایی که در این موضوع بود و قرآنهاي معتبر، قرآنی
را به انجام رساندم که انتشارات سروش اقدام به چاپ و
نشر آن نمود و به‌چند صورت ارائه شده است.
به‌صورت رحلی نفیس و مذهب و به‌صورت قطع
وزیری نفیس و مذهب و به‌صورت ساده و اخیراً با
ترجمه است که ترجمه آن را آقای عبدالمحمد آیتی
انجام دادند که در صفحه مقابل قرار گرفته است.

□ استاد بفرمائید بنظر شما تأثیر متقابل خط و فرهنگ اسلامی بر خط و فرهنگ ما چگونه بوده است و آیا خطوط دیگری نیز در خط ما تأثیر داشته است؟

■ شما می‌پرسید « فرهنگ اسلامی بر خط و فرهنگ ما » کلمه فرهنگ ما باید روشن شود، گویا مقصود شما از این کلمه فرهنگ ملی خاص ایرانی می‌باشد و الا اصل و اساس فرهنگ ما همان فرهنگ اسلامی است. اگر بخواهیم در شرح این دو فرهنگ وارد شویم سخن به درازا می‌کشد و از بحث مانحن فیه خارج می‌شویم.

این مطلب واضح است که نشانه بارز هر ملیتی زبان و خط او است که به این دو وسیله فرهنگ خود را به جهان عرضه می‌کند. از اتفاق، همچون ماهی که حیاتش از آب است و توجهی به آن ندارد، اکثر مردم چنانکه باید و شاید به این زبان و خط توجه ندارند ولی خواه و ناخواه اثر خود را در فرهنگ و زندگی می‌گذارند.

خط در آغاز فقط برای تفهیم و تفهم و گردآوردن علوم و فنون در مجموعه‌هایی به نام کتاب بوده است و صحیح و روشن نوشتن نیز مطمح نظر بود. کم‌کم بهتر نوشتن و زیبا نوشتن به میان آمد و زیبایی آن موجب شد که علاوه بر تفهیم و تفهم و علاوه بر صحیح و روشن نوشتن هنر زیبایی هم داشته باشد، لذا در عداد هنرها نیز درآمد و جایی پیدا کرد. مثلاً خواننده کتابی که زیبا نوشته شده باشد یا عبارتی در قطعه‌ای، علاوه بر اینکه پیام خود را می‌رساند بیننده و خواننده را هم خوشحال و مسرور می‌سازد و راغب و مایلش می‌کند که چندین بار آن را بخواند و به کنج دلش بسپارد، و نیز باید اضافه کنم اگر پیش از اختراع چاپ، کتابها با دست نوشته نمی‌شد فکر کنید که چقدر از علوم و فنون از بین می‌رفت و به دست فراموشی سپرده می‌شد. اینک هم که صنعت چاپ در اختیار ماست دست‌نوشته‌ها ارزش خود را دارد و تکثیر می‌شود، و اینکه پرسیده‌اید خطوط دیگری در خط ما تأثیر داشته است؟ گویا مقصود شما از خطوط دیگر غیر خطوط اسلامی است من معتقدم

قطعات خط : (نرناژن)



بی تأثیر نبوده ولی بسیار جزئی و غیر محسوس است که نیازمند بررسیهای دقیق می‌باشد.

□ مختصری درباره تاریخچه خط در اصفهان بفرمایید؟

■ قبل از صفویه، تیموریان توجه کافی و وافی به این هنر داشتند و کتابها و دیوانها و قرآنها در مکتب هرات نوشته شد و کتیبه‌هایی نیز در بناهایشان مشاهده می‌شود، در آن دوره خطاطان بسیار بوده و آثاری از خود به جا گذاشتند، این فنون از تیموریان و آثاری نیز قبل از تیموریان به دوران صفویه منتقل گردید و بسیار روی آنها کار شد تا اینکه بهتر و کاملتر گردید و استادانی برجسته‌تر و کاملتر نیز پیدا شدند مانند میرعمادحسینی و شاگردان او و علیرضا عباسی و محمدرضا امامی و عبدالرحیم جزائری و میرزا احمدخان نیریزی و غیره که تا به زمانهای بعد نیز ادامه پیدا کرد.



غلامعلی اصفهانی در خط نسخ استاد بوده‌اند، عبدالرحیم جزائری و محمدرضا امامی و فرزندش محمدمحسن امامی و نواده‌اش علینقی امامی نسل اندر نسل استادان مسلم خط ثلث بوده‌اند، همچنین از استادان هنرمند دیگری همچون آقا محمدرضا اصفهانی، آقا غلامرضا اصفهانی، محمداقبر سمسوری، محمدحسین ضیاء، واله اصفهانی و میرزا عبدالرحیم افسر. آثار و کتیبه‌های ارزشمندی در ابنیه تاریخی اصفهان باقی مانده است. و امروز هم در سایه عنایت دولت جمهوری اسلامی شیّدالله ارکانه به این هنر ارزش می‌نهند و مورد توجه است.

□ در پایان اگر توصیه‌ای دارید بفرمایید؟

■ از هنرمندانی که در این رشته کار می‌کنند تقاضا دارم که زود فریفته خوشنویسی خود نشوند و در صدد تکامل برآیند و ضمناً نکات لازم دستوری و روش سنتی نوابغ خط را نادیده نگیرند و از دخیل کردن ترکیبهای نامأنوس و خلاف استادان سابق ایرانی برحذر باشند.

از متصدیان امور استدعا دارم به تشویق هنرمندان خوب و متعهد توجه کنند و پشتیبانی و کمک خود را دریغ ندارند و از مدعیان دروغین و مونتازگران حمایت نکنند و از نصب کتیبه‌های مبتذل و ناجور و ناصحیح و چاپ و نشر آنها جلوگیری کنند هنر خالص و پاک و پاکیزه به جامعه اسلامی عرضه گردد.

به این نکته هم باید اشاره شود که میرعماد خط نستعلیق را که از زمان تیموریان تا زمان صفویه ادامه داشت کامل ساخت و عبدالمجید درویش هم در زمان زندیان خط شکسته نستعلیق را که از زمان صفویه تا آن زمان استادانی می‌نوشته‌اند کاملتر نمود و میرزا احمد نیریزی هم شیوه شیوای نسخ ایرانی را پایه‌ریزی کرد و از آن پس استادان از این اساتید برجسته پیروی نمودند. در ثلث و کتیبه‌نگاری استادان نمونه بایستقر میرزا فرزند شاهرخ تیموری و علیرضا عباسی و محمدرضا امامی و امثالهم بوده‌اند.

□ آیا این اساتید اصفهانی بوده‌اند؟

■ می‌گویند «شاخ گل هر جا که می‌روید گل است» یا «همه از خاک پاک ایرانییم» میرعماد، قزوینی؛ علیرضا عباسی، تبریزی؛ میرزا احمد از نیریز فارس و درویش عبدالمجید، طالقانی بوده‌اند. اما اینها از نظر هنرمندان ملاک نیست، ملاک مکتب بارور اصفهان است که در عهد صفویه چنان محیط هنرپروری به

● از متصدیان امور استدعا دارم به تشویق هنرمندان خوب و متعهد توجه کنند و پشتیبانی و کمک خود را دریغ ندارند.

وجود آورد و به شهرت نایل گردیدند، البته خوشنویسان مشهوری از خطه اصفهان در این تحول چه در دوره صفویه و چه بعد از آن تأثیر داشته‌اند، از جمله اشرف‌الکتاب اصفهانی، پرتو اصفهانی و آقا